

آینة

ایران

سیاست ایران نیازمند چهره‌های جدید

● **میرحمود موسوی:** این طور نیست که بگویم چون ما از آرمان بازگشت فلسطین به دست صاحبان اصلی‌اش دفاع می‌کنیم دچار مشکلات شده‌ایم... باید بپذیریم که ما در آنچه در مشکلات پیرامونمان مشاهده می‌کنیم بی‌تأثیر نیستیم و در به‌وجودآمدن مشکلات سهم داریم... ما در سال‌های گذشته در سیاست منطقه‌ای‌مان اشتباه‌ها و خطاهای جدی داشتیم... متأسفانه بشکه‌های لجن در این مملکت همیشه دم دست یک عده‌ای است که حقیقت را لجن‌مال کنند. بنابراین فایده‌ای ندارد که من حقیقت را بگویم. یک عده‌ای هستند که همه حیات‌شان وصل به این بشکه‌هاست و اگر هر روز در تیرز سانه‌هاشان این لجن‌ها را پرتاب نکنند نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. خب من قصدی ندارم با چنین کسانی دربیفتم. دلیل و فایده‌ای برای این کار نمی‌بینم...
برجام یکی از مثال‌های نادر بروز این عقلائیت جمعی بود. من به پیش از آن برنمی‌گرم. به اینکه چرا به برجام رسیدیم و ناچار شدیم، تاکید می‌کنم ناچار شدیم. از میان انتخاب‌های مختلف، مذاکره را انتخاب کنیم. نقطه مثبت برجام اتفاق نظر نادری بود که بین جریانات مختلف پدید آمد... ۱۰ تا برجام را هم به نتیجه برسانیم تا وقتی مشکلات داخلی خودمان را داریم این مسائل حل نخواهد شد... اراده سیاسی برای حل مسائل نمی‌بینم. تفکراتی در کشور ما وجود دارد که به‌واسطه ریشه‌های تاریخی‌اش اعتقاد به حقوق مردم ندارد و مردم را به‌عنوان رعیت نگاه می‌کند. در اوایل دهه ۷۰ شسمی تفکراتی مبتنی بر بازخوانی انقلاب و جنگ و... مطرح شد. برآیند آن بازخوانی‌ها این بود که به نظر می‌رسید رضایت لازم در جامعه موجود نیست و تشخیص درستی بود. این تشخیص چندان جدی گرفته نمی‌شد تا دوم خرداد ۷۶ که نارضاتی‌ها خود را در صندوق‌های رأی نشان داد... این حرف جامعه معنا داشت که تغییر می‌خواهیم... این‌وضع از ۸۴ تا ۹۲ تبدیل به فاجعه شد. بنابراین نه‌تنها تغییر مطلوب در جامعه ایجاد نشده بود بلکه وضعیت بدتر از گذشته هم شد... اصلاح‌طلبان در سال‌های ۷۶ و ۷۷ گفتمان جدیدی مطرح کردند و افق روشنی نشان دادند و در مردم شوق ایجاد کردند که پای صندوق رأی بایند. سرردم هر روز امیدوارانه روزنامه می‌خریدند و روزنامه‌ها تیراز میلیونی داشتند. در سال‌های اخیر هم مردم منتظر بودند که بالاخره تغییر را در روزهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشاهده کنند؛ اما مشاهده نکردند... یک عامل این بود که آن سدی که در مقابل تغییر است محکم در جای خودش ایستاده. دوم آنکه آن کسانی هم که قرار بود تغییر را به وجود بیاورند حتی توانایی سال ۷۶ را نداشتند. آن سد محکم‌تر و قوی‌تر شده و حرکت رو به تغییر هم ضعیف‌تر، به‌این‌ترتیب ما به این نقطه رسیدیم‌ایم. به نظر می‌رسد که مجموعه اصلاح‌طلبان در همان ماشینیه که در ۷۶ به راه افتاد مانده‌اند و در همان جا متوقف شده‌اند. به دلیل همین ایستایی، اصلاح‌طلبان توانایی ارائه راهی که مردم را از وضعیت فعلیه بیرون بیاورد، نداشتند... صریح‌تر بخواهم بگویم سقف توانایی مجموعه اصلاح‌طلبان همین است که تا به اینجا رسیده است. اگر اصلاح‌طلبان توانایی این را داشتند که جامعه را به جای بهتری برسانند حتما می‌پردند. توانایی نداشتند که نبرددند. بنابراین دیگر نوبی ماشین اصلاح‌طلبان نمی‌شود نشست. البته اصلاح‌طلبنی با اصلاح‌طلبان فرق می‌کند و نباید اینها را با هم مخلوط کنیم. اصلاح‌طلبانی که الان برچمدار هستند توانایی‌شان در همین حد است که داریم می‌بینید... آثار منفی حصر دامن همه را گرفته است. مقدمه این حق طبیعی هر انسانی است که آزاد زندگی کند. آیا جرمی مرتکب شده‌اند؟ هیچ دادگاه صالحی چنین چیزی را ثابت نکرده است... با احترام به دیدگاه شما اگر قرار بود به موضوع رفع حصر نکه فایده‌گیرانه داشته باشیم در آن صورت آیا رفع حصر می‌توانست فضای سیاسی را بهبود دهد و از حیث بازگرداندن اعتماد و امید اجتماعی تأثیر مثبتی بگذارد؟... درداشته‌شدن حصر به‌عنوان یکی از مطالبات جدی کسانی است که مسائل کشور را درک می‌کنند.

سرنوشت

روحانی مثل هاشمی با اصلاح‌طلبان نیست

● **محسن رهامی:** کانال رسمی که اصلاح‌طلبان بتوانند به صورت منظم دیدگاه‌های خود را با آقای روحانی در میان بگذارند از ابتدا وجود نداشت و در شرایط کنونی نیز وجود ندارد. در ابتدای دولت نیز جلسات غیررسمی در این زمینه برگزار می‌شد. باین‌وجود هرچه از عمر دولت گذشته این جلسات نیز کمتر شده است. این وضعیت در دولت اصلاحات وجود نداشت و ما به راحتی می‌توانستیم دغدغه‌های خود و مردم را به دولت منتقل کنیم. این وضعیت درباره آیت‌الله هاشمی نیز وجود داشت و دسترسی ما به ایشان به شکلی بود که هر زمان که نیاز بود ایشان این فرصت را در اختیار ما قرار می‌داد که مسائل خود را مطرح کنیم. باین‌وجود متأسفانه این روحیه در آقای روحانی وجود ندارد و دسترسی و انتقال دیدگاه‌های مختلف به ایشان به‌راحتی امکانپذیر نیست... ایشان [آقای خامنی] به‌هرحال با آقای روحانی ارتباط دارند. باین‌وجود این ارتباط سیستماتیک و دائمی نیست. در شرایط کنونی رئیس دول اصلاحات تگران از دست‌وختن سرمایه اصلاح‌طلبنی در جامعه هستند و اینکه مشکلات مردم حل نشود.

politics@sharghdaily.ir

حکم لاهه مکمل پایبندی به برجام



دباکو حسینی
کارشناس امور بین الملل

داشتند که ایران در برجام به همه تعهداتش عمل کرده است و طبیعتا شایسته این برخورد از سوی آمریکا نیست؛ اما این مسئله با توجه به رویکرد اروپایی‌ها که به جنبه‌های حقوق بین‌الملل اهمیت زیادی می‌دهند، اهمیتی دوجندان دارد و می‌توانند پیامدهای این رای دادگاه را به‌عنوان سندی بر حقانیت برجام مورد توجه قرار دهند. یکی دیگر از تأثیرات مثبت رای دادگاه لاهه تخریب تبلیغات آمریکا علیه ایران است. آمریکایی‌ها در دهه‌های اخیر این تبلیغات را داشتند که ایران به‌عنوان جامعه غیرمسئول در جامعه بین‌الملل عمل می‌کند و به‌دنبال برهم‌زدن نظم بین‌المللی است. بعد از خروج آمریکا از برجام و انزوای اخلاقی‌ای که در آن گرفتار شده و در طرف مقابل که بر حقانیت ایران تاکید می‌کنند، این ادبیات را تضعیف کرده و به تبلیغات چند دهه آمریکا به‌ضرب بزرگی وارد کرده است، بنابراین پایبندی ایران به برجام و همکاری همه‌جانبه ایران با اتحادیه اروپا در رابطه با برجام و هر رایی که در این دادگاه به نفع ایران صادر می‌شود کمک خواهد کرد تا این تصویر غلط آسیب ببیند و ایران به‌عنوان کشور مسئول در جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شود. این موارد چه از طرف دادگاه و چه اقداماتی که آمریکا پیش‌گرفته، کمک می‌کند به حقوقی ایران در مجامع بین‌الملل است که ستاوردی بزرگ برای کشورمان است. از سویی حکم اخیر لاهه باعث افزایش اعتماد اروپاییان به کشورمان نیز می‌شود. اگرچه اروپایی‌ها بدون رای دادگاه لاهه نیز متوجه اشتباه آمریکا و هزینه‌هایش در موضوع برجام بودند و توجه



نوذر شفیع
کارشناس حقوق بین‌الملل

با دستور موقت لاهه، آمریکا ملزم شده که موقتا تحریم‌ها علیه ایران را اجرا نکند. براساس این، دادگاه لاهه رای به لغو تحریم‌های دارویی، غذایی، بشردوستانه و هوایی داده است. اگرچه اعلام شد که آمریکا از عهدنامه مودت که براساس آن تعهداتی نسبت به ایران خواهد داشت، خارج می‌شود؛ اما تا همین‌جا نیز پیروزی مقتدرانه حقوقی ایران در معتبرترین نهاد حقوقی جهان را نشان می‌دهد. شاید به‌ظاهر این‌گونه برداشت شود که حکم دیوان لاهه چون موقت است و عمدتا معطوف به کمک‌های بشردوستانه است و حتی ممکن است آمریکا در نهایت رای دیوان را به اجرا درنیاورد، این رای در اذهان کم‌اهمیت جلوهگر شود اما واقعیت این است که امروزه بسیاری از کشورها نه با انگیزه‌های مادی بلکه با انگیزه‌های معنایی اقدامی را انجام می‌دهند؛ یعنی هدف کشورها کسب اعتبار در سطح بین‌المللی است و این مسئله در شرایط فعلی که آمریکا از برجام خروج یک جانبه داشته و به دنبال تشدید فشار به اتحادیه اروپا برای تحت فشار قراردادن آنها و تحریم ایران است، قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش می‌دهد و از این‌ منظر رای دیوان

نگاهی به مهم‌ترین پرونده‌های دادگاه لاهه و نتایج آنها؛

افزایش اعتبار ایران در سطح بین‌الملل

حائز اهمیت است. این حکم به اعتبار بین‌المللی ایران افزود و از اعتبار بین‌المللی ایالات متحده آمریکا کاست؛ چراکه آمریکا و رژیم صهیونیستی ایران را به‌عنوان کشور هنجارشکن در عرصه‌های بین‌المللی معرفی کرده بودند. خروج آمریکا از برجام و ماندن ایران در آن و نیز شکایت ایران به دادگاه لاهه و پیگیری منافع ملی‌اش از طریق نهادهای بین‌المللی و در چارچوب هنجارهای بین‌المللی نشان داد که این موضوع برعکس است و این آمریکاست که به تحریم و هنجارشکنی اعتقاد پیدا کرده است. انکار دادگاه لاهه از سوی آمریکا و پیش‌ازین تهدید دادگاه لاهه از سوی این کشور و قبل از آن خروج آمریکا از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و همچنین خروج از یونسکو نشان داد که دولت فعلی آمریکا برای هنجارهای بین‌المللی و رژیم‌های حقوق بین‌المللی ارزشی قائل نیست. در این شرایط دستگاه دیپلماسی کشور بیش از هر زمان دیگر پیگیر منافع حقوقی از طریق مجامع بین‌المللی است و پیگیری حقوق از این مجامع نشان می‌دهد ایران به دنبال آکتا به قوانین بین‌المللی است و ما می‌خواهیم قطع‌نامه‌های سازمان ملل را اجرا کنیم و این رویکرد در دستگاه دیپلماسی کشورمان مهم است. نتیجه آنکه رای دیوان بر اعتبار ایران افزود و به اعتبار آمریکا لطمه زد. صرف‌نظر از اینکه در ادامه بررسی‌های دادگاه لاهه چه نتیجه‌ای حاصل شود.

بروده‌شده اقدامات لازم را انجام داده و در صورت حقانیت شاکي، کودک را به محل زندگي اوليه‌اش برگردانند.

قتل عام خونبار

جنگ‌های بالکان که در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ اتفاق افتاد، یکی از خون‌بارترین جنایت‌های بشری علیه مسلمانان به شمار می‌رود. در این سال‌ها مسلمانان بوسنی‌وهزگوین به شکل‌های مختلف مورد هجوم صرب‌ها قرار گرفتند؛ اما هولناک‌ترین اتفاق در شهر سربرینتسا رخ داد که در طول دو هفته هشت‌هزار مرد و پسر مسلمان قتل‌عام شدند. این حادثه بزرگ‌ترین نسل‌کشی پس از هولوکاست در اروپا تلقی می‌شود. در سال ۲۰۰۶ دولت بوسنی پرونده شکایتی علیه صربستان با عنوان نسل‌کشی مسلمانان در لاهه تشکیل داد. دادگاه با اعمال فشار روسیه که از هم‌پیمانان قدیمی صربستان به‌شمار می‌رود، این رویکرد را نسل‌کشی ندانست، اما علیه اعمال نظامی این جنایت به‌کل جداگانه اقدام به صدور رای کرد. دیوان لاهه «راتکو ملادیچ»، فرمانده سابق ارتش صرب‌های بوسنی، را به جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در طول جنگ بوسنی (سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵) به حبس ابد محکوم کرد.

سال ۷۵ هجری که او را «سلاخ بوسنی» می‌نامیدند، به‌خاطر سلازماندهی و صدور دستور اعدام بیش از هشت هزار مرد و پسر بوسنیایی در جولای ۱۹۹۵ در سربرینتسا، به ارتکاب نسل‌کشی متهم شده بود. با توجه به اتهامات سنگین علیه این جنایتکار، محاکمه او از زمان محاکمه سران آلمان نازی در پایان جنگ جهانی دوم در دادگاه نورمبرگ تاکنون، مهم‌ترین محاکمه مربوط به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت بود. دادگاه رسیدگی به جرائم جنگی در ناحیه بالکان در سال ۱۹۹۵ حکم بازداشت «راتکو ملادیچ» را صادر کرد، اما او مدت‌ها در صربستان مخفیانه زندگی می‌کرد تا اینکه بالاخره در سال ۲۰۱۱ حکومت صربستان او را بازداشت کرده و به دادگاه تحویل داد. دیوان در سال ۲۰۱۶ «ارادوان کاراییچ»، رهبر سیاسی صرب‌های بوسنی و رئیس ارتکو ملادیچ، را به‌خاطر ارتکاب جرائم مشابهی، از جمله نسل‌کشی، به ۴۰ سال زندان محکوم کرد. «سلووبودان میلوشویچ»، رئیس‌جمهور وقت صربستان، نیز که یکی دیگر از متهمان اصلی پرونده جنایات جنگی در بوسنی بود، در سال ۲۰۰۶ و در سلول زندانش در لاهه درگذشت و محاکمه او بدون حکم خاتمه یابد.

دنباله‌های طولانی جنگ جهانی دوم

خانواده‌های بازماندگان کشتار دسته‌جمعی ساکان روستای «سویوتای» ایتالیا در سال ۱۹۴۴ توسط ارتش هیتلر، از دولت آلمان تقاضای پرداخت غرامت کرده بودند. در این گفت‌وگو، بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی این روستا به دستور یک قسارت نظامی به‌قتل گشته شدند. این شکایت توسط یک دادگاه ایتالیایی تأیید و دولت آلمان به پرداخت چندین میلیون غرامت به بازماندگان این کشتار محکوم شد. دادگاه عالی ایتالیا نیز این حکم را تأیید کرده بود. دولت آلمان در سال ۲۰۰۸ این پرونده را برای تصمیم‌گیری به دادگاه بین‌المللی لاهه فرستاد. به اعتقاد این دادگاه، ارتش ایتالیا از ابتدا نمی‌بایست شکایت شهروندان از یک دولت خارجی را می‌پذیرفت. وزارت خارجه آلمان متذکر شده بود که تقاضای پرداخت خسارت موضوعی است که تنها بین دولت‌ها قابل طرح است. دادگاه ایتالیا مصونیت قضایی دولت آلمان را در این مورد به رسمیت شناخته و این دولت را به پرداخت غرامت محکوم کرده. با آنکه مرکزی از حدود سه سال پیش تلاش کرده بان‌ها را متقاعد کند صورت‌های مالی خود را بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) تهیه کنند تا خود متوجه شوند که در حال زیان هستند. علت اینکه بانک‌ها تاکنون سریا بودند، این بوده که حساب‌های آنها شفاف نبود و آنها حساب‌های گادبی را به سهامداران خود می‌پوشانند. برای همین، روزآمدشدن قوانین بانکی نیز ازجمله پیش‌نیازهای بهبود شرایط اقتصادی است. اگر همه این فعالیت‌ها صورت گیرد، آن‌گاه می‌توان به سمت ارز با قیمت منطقی و تک‌نرخ‌شی رفت. البته این امر زمانی عملی می‌شود که روابط بانکی ایران بهبود یابد و زمانی که بانک مرکزی از بودی‌نامه خود به‌سازمان ۷۰۰ اجرائی شد که موفقیت‌آمیز نبود و بار دیگر در دهه ۸۰ به‌رهگیری از تجربیات گذشته به موفقیت اجرائی شد که تا سال ۸۹ ادامه یافت و پس‌ازآن با بروز بحران ارزی در ابتدای دهه ۹۰ نظام تک‌نرخ‌شی برچیده شد. اجرای مجدد آن پیش‌نیازهای این بودی‌نامه موفقیت دارد.

دیپلماسی

شرق: قضات دیوان لاهه چهارشنبه پیش به‌اتفاق با اعلام اینکه صلاحیت رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا به دلیل نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی سال ۱۹۵۵ بین دو کشور را دارا هستند، رای به لغو تحریم‌های دارویی، غذایی، بشردوستانه و هوایی آمریکا علیه ایران دادند. نگاهی به ساختار و پرونده‌های پیشین این دادگاه و احکام صادره می‌تواند چشم‌انداز روشنی را از اتفاقی که در این دیوان برای ایران رخ داد، ارائه کند. «دیوان بین‌المللی دادگستری» معروف به دادگاه جهانی، رکن اصلی قضاتی سازمان ملل متحد بوده که مقرر آن در کاخ صلح شهر لاهه در کشور هلند واقع شده و به همین دلیل به «دادگاه لاهه» معروف است. یکی از وظایف این دادگاه، رسیدگی به اختلاف‌های قانونی میان کشورهاست. این دیوان ۱۵ قاضی سرشناس، باتجربه و معروف دارد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت آنها را برای مدت ۹ سال انتخاب می‌کنند. اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری جزء لاینفکی از منشور ملل متحد است. نخستین پرونده‌ای که در این دیوان رسیدگی شد، مربوط به تنکه کورفو (میان آلبانی و انگلیس) بود که به نام «پرونده کورفو» معروف شد؛ این پرونده در سال ۱۹۴۷ در دیوان لاهه مطرح شد. تاکنون نزدیک به ۶۰ پرونده در این دادگاه از سوی کشورهای مختلف ارائه شده که بعضی از آنها همچنان در حال رسیدگی است. چند پرونده مهم را که به دادگاه لاهه ارجاع داده شده‌اند، به همراه نتایج آنها در ادامه می‌خوانید:

انگلیس علیه ایران

هتم اردیبهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی طرح اجرائی امی شدن صنعت نفت را به‌اتفاق آرا تصویب کرد و فرانسس شپرد (سفیر انگلیس) عصر همان روز در یک کنفرانس مطبوعاتی به این اقدام اعتراض کرد. انگلیس دوام پس از ملی‌شدن صنعت نفت، با استناد به معاهده منعقدۀ میان تهران و لندن، شکایتی علیه ایران تنظیم و به دیوان لاهه ارسال کرد. در ۳۱ تیر ۱۳۳۱ دادگاه لاهه در جریان اختلاف میان ایران با انگلستان و درباره پرونده ملی‌شدن صنعت نفت، به حقانیت ایران و صلاحیت‌نداشتن دادگاه بین‌المللی برای بررسی شکایت لندن از تهران رای داد و در نتیجه انگلستان نتوانست با توسل به شکایت به دیوان لاهه، حق ملی‌شدن نفت را از ایران بگیرد.

آلمان، ارکونه و کوبا علیه آمریکا

در سال ۱۹۸۲، برادران «کارل و والتر لاکراند»، از اتباع آلمان، در ایالت آریزونا دستگیر شدند. دولت آلمان شکایتی علیه آمریکا تنظیم و به دادگاه لاهه ارائه کرد. مورد اعتراض دولت آلمان، اطلاع‌نیافتن کشورهای فرستنده اتباع (در اینجا آلمان) از دستگیری‌شدن اتباع خود از سوی پلیس آمریکا و مطلع‌شدن از این موضوع از کانالی به‌جز دولت آمریکاست. علاوه بر این، آلمانی‌ها ادعا می‌کردند هیچ‌یک از دستگیرشدگان توانایی ارتباط با مقامات کنسولی کشور متبوع خود را نداشته‌اند. در حقیقت، دادگاه‌های آمریکا این افراد را از حق خود مبنی بر توانایی ارتباط با مقامات کنسولی کشور متبوع در حین دستگیری، بی‌اطلاع گذاشته‌اند. این موارد نقض آشکار و مسلم کنوانسیون مصوب ۱۹۶۳ است. در ماده ۱۲۶ این کنوانسیون، با عنوان «ارتباط با اتباع دولت فرستنده»، امکان برقراری روابط و ملاقات بین مقام‌های کنسولی و اتباع دولت فرستنده پیش‌بینی شده است. دادگاه لاهه به‌نفع آلمان رای داد؛ اگرچه آمریکا به حکم دیوان بی‌توجهی کرده و ۱۷ سال بعد دو هفته آلمانی را اعدام کرد. در سال ۱۹۹۲، قضیه مشابهی برای «آنگل فرانچسکو بری آرد»، از اتباع پاراگوئه، رخ داد. پاراگوئه به دیوان لاهه شکایت کرد؛ اما آمریکا بازهم رفتار سابق را پیش گرفته و تبعه پاراگوئه را یک سال بعد از دستگیری اعدام کرد. مدتی بعد یک کوبایی به سرنوشته مهاجران تگودن بخت پیشین چار و بازهم همان اتفاق

تکرار شد.



دیوار بلند توهین و پرونده آونا

مکزیک، همسایه دیواره‌دیوار آمریکا، تاریخچه‌ای طولانی درباره نقض حقوق بشری از سوی آمریکا نسبت به مکزیکیه‌ها در خاطر دارد. آخرین مورد آن اخراج بی‌رحمانه مهاجران غیرقانونی مکزیکیه توسط آمریکا بود به‌گونه‌ای که کودکان دوتابعیتی که پدران یا مادران مکزیکیه توهین‌آمیز خاکود در آمریکا متولدشده بودند از والدینشان جدا شدند. پدرها و مادرهای مکزیکیه از آمریکا اخراج شدند و بچه‌های خردسال بی‌پناه به کمپ‌های نگهداری کودکان فرستاده شدند. خیلی‌ها از این اقدام بی‌رحمانه آمریکا متأثر شدند. احداث دیوار حائل بین دو کشور که ساخت آن همچنان ادامه دارد، یکی دیگر از رفتارهای توهین‌آمیز آمریکا علیه همسایه‌اش بود؛ اما این رفتارهای متکبرانه یک بار پای آمریکا را به دیوان لاهه کشاند. در سال ۲۰۰۴ دولت مکزیک شکایتی علیه آمریکا در دادگاه لاهه تنظیم کرد که به «پرونده آونا» معروف شد. طبق این شکایت مکزیک مدعی شد آمریکا نسبت به ۵۴ تبعه کشورش که در صف اعدام در آمریکا زندانی بودند، عدالت را رعایت نکرده است. این پرونده از آنجا حساسیت ویژه‌ای پیدا کرد که معلوم شد سه مکزیکیه در آستانه اعدام قرار دارند، به‌ویژه اینکه قبلا موارد مشابهی برای اتباع دیگر کشورها در آمریکا رخ داده بود. با وجود محکوم‌شدن‌های آمریکا در دادگاه لاهه، این کشور از قبول رای دادگاه لاهه سر باز زده بود. وکلای حامی دولت که لاهه اعلام کردند این زندانیان حتی اجازه ملاقات با کارمندان کنسولگری‌های مکزیک در آمریکا را نداشته‌اند و ممکن است به‌دلیل کم‌اطلاعی از قوانین به چنین مجازات سنگینی محکوم شده باشند. دادگاه لاهه در بررسی پرونده، به نفع مکزیک رای داد؛ اگرچه آمریکا باز هم حاضر به قبول این حکم نشد. سرانجام پس از محکوم‌شدن بی‌دری آمریکا مبنی بر نقض کنوانسیون وین، این کشور به‌جای تداوند به تعهدات بین‌المللی راه‌حل وارونه‌ای در پیش گرفت و امضای خود را از پروتکل الحاقی به کنوانسیون وین درباره صلاحیت اجباری دیوان برای حل‌وفصل اختلافات ناشی از نقض کنوانسیون پس گرفت و به‌جای سعی برای اجرای درست قوانین، به‌طور ضمنی اعلام کرد قوانین را قبول ندارد. این همان کاری است که می‌کوشد نسبت به ایران انجام دهد. پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، بعد از اعلام رای دادگاه لاهه علیه کشورش اعلام کرد از پیمان مودت ایران و آمریکا خارج خواهد شد.

دخالت‌های بی‌پایان ابرقدرت

در نهم آوریل ۱۹۸۴ نیکاراگوئه شکایت خود را علیه آمریکا به دادگاه لاهه ارائه کرد. نیکاراگوئه در آن پرونده، دولت آمریکا را به‌عنوان مسئول فعالیت‌های نظامی و چریکی که علیه دولت مرکزی نیکاراگوئه در جریان بود، مقصر خواند. آمریکا در مرحله اول در دادگاه حاضر شد. اما بعدا آن را ترک کرد. این استدلال که قضات صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارند که این حرکت نوعی بی‌احترامی به قوانین عرفی بین‌المللی قلمداد شد. در پایان رسیدگی‌ها، دادگاه لاهه در نهایت آمریکا را در اتهامات وارده‌شده محکوم شناخت و این کشور را به جبران خسارت ملزم کرد. آمریکا حاضر به قبول رای نشد، اما در نهایت تحت فشارهای بین‌المللی ناچار به تسلیم و قبول رای شد.